

## Making and survey of psychometric features of lovemaking test in single students

Neda afsharian<sup>1</sup>, fariborz dortaj<sup>2</sup>, Esmaeil saadipoor<sup>3</sup>, ali delavar<sup>4</sup>, sedyd sadroldin shariati<sup>5</sup>

1. PhD Student in Educational Psychology, AllamehTabatabae'i University. Email Address
2. (corresponding author), Professor, Department of Educational Psychology, Allameh Tabatabae'i University. Email Address: dortajf@gmail.com.
3. Professor, Department of Educational Psychology, Allameh Tabatabae'i University
4. Professor, Department of evaluating and measuring, Allameh Tabatabae'i University.
5. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabatabae'i University.

### ABSTRACT

The article is taken from a doctoral dissertation

Received: 01/10/1399 - Accepted: 25/12/1399

**Aim:** The aim of present research was making a test of perception of lovemaking between single students and survey of psychometric features of this tool. **Methods:** The research method was mixed. For this purpose, first during a qualitative study based on data-driven theory using a semi-structured interview technique, 32 students (18 girls and 14 boys) were interviewed. The sampling method was purposeful and based on theoretical saturation. The text of the interviews were identified using MAXQDA10 qualitative data analysis software. Students' coding and perception of lovemaking were identified in three categories: ethics of logical obedience, emotional self-obsession and immoral self-obsession. In the next step, based on the codes obtained from the qualitative part of the research, a questionnaire appropriate to the cultural and educational context of Iranian society was developed to measure the perception of lovemaking of single students and then 560 single students ranging in age from 19 to 33 years. (314 girls and 246 boys) Bachelor's and Master's degrees from 5 governmental and Islamic Azad universities in Tehran (Allameh Tabatabai, Shahid Beheshti, Imam Sadegh (AS), Research Sciences and Amirkabir Universities), which are in a multi-stage cluster method Were selected and answered the test. **Results:** The results of confirmatory factor analysis showed that the scale of love perception contains 18 questions and includes three confirmed categories of ethics of logical obedience (questions 1, 2, 3, 4, 5, 6), emotional self-obedience (questions 13, 14, 15, 16, 17, 18) and immoral self-obsession (questions 7, 8, 9, 10, 11, 12) of lovemaking. Model fit indices in confirmatory factor analysis confirmed the validity of this scale. **Conclusion:** Therefore, based on the findings, the students' love perception test can be used as a valid and valid tool to measure and evaluate the love perception of single Iranian students.

**Keywords:** Perception of lovemaking, students, validity, reliability, mixed method, confirmatory factor analysis



## ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون ادراک عشق‌ورزی در دانشجویان مجرد

ندا افشاریان<sup>۱</sup>، فریبرز درتاج<sup>۲</sup>، اسماعیل سعدی‌پور<sup>۳</sup>، علی دلاور<sup>۴</sup>، سید صدرالدین شریعتی<sup>۵</sup>

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. (نویسنده مسئول)، استاد گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Email Address: dortajf@gmail.com

۳. استاد گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۴. استاد گروه سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۵. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(صفحات ۲۹۱-۳۲۰)

مقاله برگرفته از رساله دکتری است

چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف ساخت آزمون ادراک عشق‌ورزی در میان دانشجویان مجرد و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن انجام شد. **روش:** روش پژوهش آمیخته بود. برای این منظور ابتدا طی یک مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه پردازای داده‌محور و با به کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با ۳۲ دانشجو (۱۸ دختر و ۱۴ پسر)، مصاحبه شد. روش نمونه‌گیری هدفمند و براساس اشباع نظری بود. متن مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA10 کدگذاری و ادراک عشق‌ورزی دانشجویان در سه مقوله اخلاق پیروی منطقی، خودپیروی عاطفی و خودپیروی ضد اخلاقی شناسایی شد. در مرحله بعد، بر اساس کدهای به دست آمده از بخش کیفی پژوهش، آزمونی متناسب با بافت فرهنگی تربیتی جامعه ایرانی جهت اندازه‌گیری ادراک عشق‌ورزی دانشجویان مجرد تدوین شد و سپس تعداد ۵۶۰ دانشجوی مجرد با دامنه سنی ۱۹ تا ۳۳ سال (۳۱۴ دختر و ۲۴۶ پسر) مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ۵ دانشگاه دولتی و آزاد شهر تهران (دانشگاه‌های علامه طباطبائی، شهید بهشتی، امام صادق(ع)، علوم تحقیقات و امیرکبیر)، که به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند، به این آزمون پاسخ دادند. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل عاملی تأییدی، نشان داد مقیاس ادراک عشق‌ورزی حاوی ۱۸ سؤال و مشتمل بر سه مقوله تأیید شده اخلاق پیروی منطقی (سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، خود پیروی عاطفی (سؤالات ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸) و خود پیروی ضد اخلاقی (سؤالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) از عشق‌ورزی است. شاخص‌های برازش مدل در تحلیل عاملی تأییدی روایی این مقیاس را مورد تأیید قرار داد. **نتیجه‌گیری:** لذا بر اساس یافته‌ها، آزمون ادراک عشق‌ورزی دانشجویان می‌تواند به عنوان ابزاری معتبر و روا جهت سنجش و ارزیابی ادراک عشق‌ورزی دانشجویان مجرد ایرانی مورد استفاده قرار گیرد

**واژه‌های کلیدی:** ادراک عشق‌ورزی، دانشجویان، روایی، پایایی، روش آمیخته، تحلیل عاملی تأییدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

## مقدمه

عشق در حوزه علوم روانی، یکی از سازه‌های روان‌شناسی به شمار آمده که معمولاً برای نشان دادن طیف گسترده‌ای از عواطف و احساسات انسانی از احساسات ساده لذتجویی تا غلبه و توجه غیرقابل توصیف نسبت به فرد دیگر به کار می‌رود (لین، چان، کونگ و او<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). از دیدگاه اریکسون، عشق مهمترین مزیت انسان شناخته شده به نوعی از خودگذشتگی دوجانبه یعنی ادغام شدن فرد در شخص دیگر اشاره دارد (نتو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵)، عده‌ای نیز، عشق را نیازی عاطفی، لذتی مثبت، احساسی عمیق، علاقه‌ای لطیف یا جاذبه‌ای شدید که به پذیرش بی‌قید و شرط و دوست داشتن یک فرد تمرکز دارد، تعریف و آن را از ویژگی‌های بارز دوره جوانی دانسته‌اند (لوئیکس، سفجی کرنک، شوارتز، کروستی و کلیمسترا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). برخی نیز مفهوم عشق را صراحتاً به تمایلات جنسی نسبت داده و توجه به ویژگی‌های جسمانی و روابط جنسی را مهمترین مؤلفه در تبیین مفهوم عشق بین افراد دانسته‌اند (احمد اوغلو و چامورو پرموزیک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). هاتفیلد و راپسون<sup>۵</sup> (۱۹۹۶؛ به نقل از امانی و گرمخانی، ۱۳۹۳)، عشق را به عنوان احساس و علاقه‌ای شدید به چیزی همراه با ارتباطی نزدیک به عواطفی چون لذت، ناراحتی، عصبانیت، ترس و حسادت تعریف می‌کنند. استرنبرگ<sup>۶</sup> (۱۹۸۶؛ به نقل از نوريسا، لامبرت، دی وال و فینچمن<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲)، نیز عشق را ترکیبی از سه عنصر صمیمیت، میل (شور و شوق) و تعهد می‌دانست. در تعریف وی نیز عنصر میل، جنبه‌ای انگیزشی داشته و احساس جذابیت فیزیکی همراه با کنش فیزیولوژیک، جذابیت جنسی، تمایل جنسی و اشتغال جنسی مثبت نسبت به معشوق را برجسته می‌نماید (هدایتی دانا و صابری،

1. Lin, JLL., Chan, M., Kwong, K., Au, L.

2. Neto, F.

3. Luyckx, K., Seiffge-Krenke, I., Schwartz, S. J., Crocetti, E. & Klimstra, T.A.

4. Ahmetoglu, G. Swami, V. & Chamorro-Premuzic, T.

5. Hatfield, E, Rapson, R.

6. Sternberg, R. J.

7. Norrissa, J. I., Lambert, N. M., DeWall, C. N., & Fincham, F. D.

۱۳۹۳). مطهری، عشق را حالت درونی (روحی) و روانی مثبتی می‌داند که در انسان حالتی خوشایند ایجاد می‌کند، حالتی دلپذیر که موجب کشش انسان به سوی موضوعی یا چیزی یا کسی می‌شود. وی، عشق را مافوق محبت و دوست داشتن می‌داند (مطهری، ۱۳۹۵)؛ و آن را در پیوندی عمیق و ناگسستنی با عفت قلمداد نموده و معتقد است عشق زمانی متولد می‌شود که در کنار عفت باشد. از نظری، جنبه روحی و صمیمیت و دوستی وافر در این نوع عشق به واسطه در هم آمیختگی با عفت، وقتی که به وصال دو نفر بینجامد، منجر به تعهد و وفاداری دو نفر نسبت به یکدیگر می‌شود و ویژگی دوری از شهوت این عشق باعث می‌شود تا عاشق و معشوق، خود را تأمین کننده تمام نیازهای جسمی و روحی یکدیگر بدانند و جامعه خارج از این جمع دو نفره را در رفع نیازهای خود سهیم نکنند (مطهری، ۱۳۸۹). لذا عشق به عنوان یک فضیلت اخلاقی-قرآنی در حوزه عاطفی سبک زندگی همسران معنا می‌یابد و بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، معنوی و روحانی همسر، داشته‌های ظاهری و جسمانی را تحت تأثیر قرار داده؛ دلنشین‌تر و جذاب‌تر کرده و می‌تواند در سیر کمال انسان را به سوی عشق الهی رهنمون سازد (هوشنگی، امین ناجی، جمشیدی‌راد و موسایی‌پور، ۱۳۹۳).

با توجه به گره خوردگی دوران جوانی (۱۸ تا ۳۵ سالگی) با ویژگی‌هایی همچون صمیمیت و روابط صمیمانه (نتو، ۲۰۱۴؛ بوراک، رینولدز، لاندری، کلاسن، روسو و فریبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷) و اتخاذ مهمترین تصمیمات زندگی همچون ازدواج، انتخاب همسر و شغل در این دوران (رودباخ، فرناندز و لوینسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲)، و با امعان نظر به اینکه در ایران، این دوره مصادف با ورود جوانان به دانشگاه است و ورود به دانشگاه با بروز تغییرات بسیاری در روابط انسانی، همراه است که یکی از این اشتباهات مربوط به روابط نزدیک و دوطرفه افراد به نحوی است که منجر به شکستن استانداردهای شخصی، استانداردهای دیگران، استانداردهای معنوی و بی‌بندوباری جنسی می‌شود (هول، ساکسون، فاگان،

1. Burack, J. A., Reynolds, A., Landry, O., Klassen, G., Russo, N., & Fryberg, S.  
2. Rodebaugh T.L., Fernandez K.C. & Levinson C.A.

ویلیامز و واردیسکو<sup>۱</sup>؛ ۲۰۱۸؛ ساریکام و اکین<sup>۲</sup>؛ ۲۰۱۳؛ مایرز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰)، لذا توجه به این مسأله و تعیین حدود و ثغور روابط بین دو جنس امری حیاتی در سلامت خانواده و جامعه تلقی می‌گردد.

با این وصف، تعیین حدود و کیفیت روابط دختر و پسر با توجه به ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جامعه اسلامی، از مسائل جامعه و مبانی تربیتی ما است. در مورد عشق‌ورزی و چگونگی رابطه با جنس مخالف، دیدگاه‌های گوناگونی که دامنه آن از بسته‌ترین شرایط تا بازترین شرایط در نوسان است، مطرح می‌باشد (لی، فلورز، تاریمان، مک‌کارترو ریچ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵). در ویتنام، دختر حق ندارد بدون همراهی با یک زن شوهردار از خانه خارج شود؛ اما در جوامع غربی نظیر آمریکا، از دختران انتظار می‌رود در سن نوجوانی، قرارهای عشقی داشته باشند (احمد اوغلو و چامورو پرموزیک، ۲۰۱۰؛ به نقل از میرزایی و برغم‌دی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، اگرچه امروزه پدیده عشق، روابط عاشقانه، دوستی و رابطه با جنس مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی مغایرتی ندارد و در آن فرهنگ در قالبی فردگرایانه، بدون دخالت مستقیم خانواده و مبتنی بر امیال شخصی به عنوان چارچوبی برای انتخاب شریک زندگی تعریف می‌شود (فیشر، وُس، گارسیا و مردیت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲؛ هاتفیلد، راپسون و مارتل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷؛ فولر<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷)؛ اما حساسیت این موضوع در جامعه ایرانی و در بین خانواده‌ها که حاکی از مغایرت با هنجارهای اخلاقی و تربیتی پذیرفته شده می‌باشد، نشان از متأثر بودن آن از بافت فرهنگی و تربیتی جوامع مختلف است.

با این توصیف و مبتنی بر سنت سازه‌گرایی اجتماعی (ویگوتسکی<sup>۸</sup>، ۱۹۷۸؛ به نقل از پورمحسنی کلوری، ۱۳۹۵)، می‌توان گفت مدل‌های عشق‌ورزی و رفتارهای جنسی و

1. Hull, D. M., Saxon, T. F., Fagan, M. A., Williams, L. O., & Verdisco, A. E.
2. Saricam, H., & Akin, A.
3. Myers, D. G.
4. Lee, Y. M., Florez, E., Tariman, J., McCarter, S., & Riesche, L.
5. Fisher, M. L., Woth, K., Garcia, J. R., & Meredith, T.
6. Martel, L. D.
7. Fowler, A.C.
8. Vygotsky, L.

ابزارهای لازم برای بررسی آن در تفاوت‌های موجود در شناسه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جوامع گوناگون ریشه دارد و از قوانین اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تبعیت می‌کند (کارول<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). در این راستا، بوراک و همکاران (۲۰۱۷)، نیز نقش ارزش‌های فرهنگی را در رفتارهای مخاطره‌آمیز جنسی جوانان آمریکای شمالی نشان دادند. لذا، این مسأله (مدل‌های عشق‌ورزی و ابزار سنجش آن) در جامعه ما که حیاتی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی دارد بسیار حائز اهمیت است.

برخی پژوهش‌هایی که بر روابط پیش از ازدواج دختران و پسران متمرکز بوده‌اند نشان داده‌اند بیش از نیمی از دختران دانشجوی تهران، پیش از ازدواج تجربه معاشرت و دوستی با جنس مخالف و حدود ۲۵ درصد نیز قبل از ازدواج تماس جنسی را تجربه کرده‌اند (قادرزاده، محمدی و محمدی، ۱۳۹۶). همچنین، در تهران بین ۲۰ تا ۶۰ درصد دانش‌آموزان گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال (خلج‌آبادی فراهانی، کاظمی پور و رحیمی، ۱۳۹۲؛ به نقل از قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶)؛ ۳۷/۵ درصد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان (قاسمی، ۱۳۸۳) و ۷۹/۵ درصد جوانان شهر تهران (ذکایی، ۱۳۸۴)، پیش از ازدواج، به‌طور پنهانی و بدون رضایت خانواده با جنس مخالف خود ارتباط عاطفی و یا رابطه فیزیکی و جنسی داشته‌اند.

با توجه به مرور شواهد نظری و تجربی موجود در جامعه علمی کشور و مرتبط با موضوع عشق و عشق‌ورزی، مشخص می‌گردد اغلب پژوهش‌ها در صورت بندی مسأله خود از تعاریف غربی و از ابزارهای اندازه‌گیری این مفهوم که آن ابزارها نیز منبث از همان پشتوانه فکری غربی است که معیار همه چیز را انسان، تمایلات و احساساتش (از جمله لذت‌جویی و توجه به ویژگی‌های جسمانی) دانسته‌اند و عشق را واجد انرژی سرشاری دانسته‌اند که به واسطه آن، انسان‌ها می‌توانند به شادی و لذت برسند، بهره‌برده‌اند (رجبی، عباسی و خجسته‌مهر، ۱۳۹۱؛ مصطفائی و پیوسته‌گر، ۱۳۹۵؛ کریمی، دنیوی،

راه‌نجات و کیانی مقدم، ۱۳۹۶). این در حالی است که تعریف غربی از پدیده عشق به عنوان پذیرش بی قید و شرط و دوست داشتن یک فرد به واسطه ویژگی‌ها و جاذبه‌های جسمانی و ظاهری با مبانی دینی ما در تضاد آشکار قرار دارد به نحوی که قرآن کریم به کژات از ممنوعیت و حرام بودن ازدواج با برخی افراد (زنان غیر عقیف (مأئده/۵)؛ ازدواج به طمع ارث (نساء/۱۹)؛ ازدواج با زن و مرد مشرک (بقر/۲۲۱)؛ ازدواج مومنان پاکدامن با زناکاران (نور/۳)؛ و ازدواج با محارم (نساء/۲۳) و ... ) یاد کرده و در روایات متعدد نیز عنصر زیبایی در کنار سایر مؤلفه‌ها از جمله دیانت، عفت، اخلاق، عقل، شرافت خانوادگی و ... در نظر گرفته شده به عنوان نمونه پیامبرگرمی اسلام (ص) فرمودند: «برحذر باشید و بپرهیزید از سبزه‌ای که بر فراز مزبله و منجلاب روییده باشد! سوال شد ای پیامبر خدا! سبزه زار مزبله و منجلاب چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده پلیدی رشد کرده باشد» (حرعاملی، ۱۴۱۶هـ.ق: ۲۹). از این رو، می‌توان گفت مفهوم عشق و عشق‌ورزی بین دو جنس مخالف با رعایت شرایط فوق، در الهیات غنی دینی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام با مقوله ازدواج پیوند خورده و بر این اساس مفهوم‌پردازی شده است، در حالی که در نگرش غربی، عشق‌ورزی بیشتر به صورت گونه‌ای انتخاب در آمده که کامروایی جنسی و آسایش را به عنوان خواسته‌های اصلی طرفین رابطه برجسته و با تضعیف عنصر تعهد، حتی ازدواج قانونی را به عنوان ضرورت تحقق همسری کم‌رنگ و در حال از بین بردن است (علاسوند، ۱۳۹۲)، بنابراین در فرهنگ غیر توحیدی لزوماً عشق‌ورزی منتهی به ازدواج نخواهد بود در صورتی که عشق‌ورزی در یک جامعه توحید محور به تبعیت از سایر رفتارهای موحدانه، بستری برای آرامشگری، تکامل و قرب الهی از طریق میثاق غلیظ بین زن و مرد بر اساس عمل صالح و مبنای دستیابی به آرامش و امنیت روحی و فکری و عینی و شکل‌گیری خانواده و توسعه اخلاق و عقاید و رفتار حسنه و دور شدن ارکان و اعضای آن از اخلاق و عقاید و رفتارهای رذیلانه، قلمداد می‌شود (صادقی و پیروزمند، ۱۳۹۷).

با توجه به موارد پیش‌گفت اگرچه برای اندازه‌گیری سازه عشق‌ورزی ابزارهای مختلفی همچون مقیاس نگرش‌های عشق<sup>۱</sup> هندریک و هندریک<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)؛ مقیاس الگوهای عشق استرنبرگ (۱۹۸۶)؛ مقیاس عشق پرشور در روابط صمیمی هاتفیلد و راپسون (۱۹۸۶) وجود دارد که به ترتیب پر استنادترین ابزارها در مطالعات روانشناختی مفهوم عشق‌ورزی بوده و در ایران نیز ترجمه، هنجاریابی و مورد کاربست قرار گرفته (عبدی و گلزاری، ۱۳۸۹؛ پورمحسنی، ۱۳۹۵) و اعتبار قابل قبولی را نشان داده اما با توجه به شناسه‌های فرهنگی تربیتی جامعه ایرانی، جای تعجب نیست که انتظار داشته باشیم عشق‌ورزی و ادراک عشق‌ورزی در بین فرهنگ‌های مختلف دارای تفاوت معناداری باشد. به عنوان نمونه مطالعات کاناماسا، تانیگوشی، دایبو و ایشیموری<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) در ژاپن و نتو و پینتو<sup>۴</sup> (۲۰۱۵)، نتو و ویلکس<sup>۴</sup> (۲۰۱۷)، در پرتغال مدل ۶ عاملی سبک‌های عشق هندریک و هندریک (۱۹۹۸) را در فرهنگ جوامع خود تأیید کرده‌اند که البته ذکر این نکته ضروری است که مشخصه‌های جامعه‌ی و بسترهای فرهنگی تربیتی این جوامع با هم یکسان بوده است. لذا، اگرچه عشق‌ورزی مفهومی جهانی است و نگرش‌های زیر بنایی یکسانی به آن (از حیث گره خوردگی با ازدواج و البته با شدت و ضعف متفاوت) در تمامی جوامع قابل مشاهده است، اما به نظر می‌رسد تجارب جامعه‌پذیری و هنجارپذیری متفاوت توسط هر یک از افراد بر جنبه‌های فردی عشق‌ورزی تأثیر بگذارد. از این رو، به نظر می‌رسد استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری واحد در فرهنگ‌های مختلف منجر به نتایج مبتنی بر واقعیت نباشد. پس می‌توان گفت ابزارهای فوق به واسطه اینکه در بستر جوامع مدرن غربی ساخته شده که پدیده ازدواج در آن جوامع امری خصوصی تلقی می‌شود و ازدواج‌ها به غایت فردی شده (گلیک<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸)، تناسبی با بستر اجتماعی فرهنگی جامعه ما که علی‌رغم در حال گذار بودن (افشاریان، ۱۳۹۶) کماکان ازدواج در

1 . Love Attitudes Scale Short Form.

2 . Hendrick, C., & Hendrick, S. S.

3. Kanemasa, Y. Taniguchi, J. Daibo, I., & Ishimori, M.

4. Wilks, D. C.

5. Gelik, K.



آن امری مقدس و عمدتاً با نظارت والدینی و بزرگترها و دیگر عناصر انجام می‌شود، نداشته باشد. همچنین این ابزارها، سنجه مناسبی برای شناسایی ادراک عشق‌ورزی نبوده و بیشتر برای سنجش عشق‌ورزی زوج‌ها مناسب است تا افراد مجرد و از طرفی به واسطه ناهمخوانی ابزار با بستر پژوهش (آنگونه که اشاره شد)، نمی‌تواند به خوبی نشانگان‌های فرهنگی و تربیتی جامعه ایرانی را منعکس نماید. به عنوان نمونه مطالعه کریمی و همکاران (۱۳۹۶)، با موضوع معنویت‌گرایی و عشق‌ورزی به دلیل بهره‌مندی از ابزاری نامناسب و ناهمسان همچون پرسشنامه نگرش‌های عشق‌هندریک و هندریک (۱۹۹۸) با موضوع معنویت‌گرایی مورد نقد جدی است و لذا این قبیل اقدامات در صورت بندی پژوهش‌های روانشناختی به واسطه ناهمخوانی ابزار با بستر پژوهش می‌تواند نتایج را تحت تأثیر قرار دهد.

علاوه بر این، حسب بررسی‌های صورت گرفته در مطالعات تجربی داخلی مرتبط با موضوع پژوهش تاکنون اقدام جدی نظری و تجربی در خصوص انجام یک مطالعه نظام مند و مبتنی بر بسترهای تاریخی، فرهنگی، تربیتی و تمدنی جامعه ایرانی در موضوع عشق‌ورزی در حیطه علوم روانشناختی صورت نگرفته، اگرچه مطالعات اندکی به صورت کیفی به مطالعه رابطه با جنس مخالف پرداخته (نیازی و پرنیان، ۱۳۹۳؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ رجبی، عباسی و شمعدونی اهوازی، ۱۳۹۴؛ کرمانی و همکاران، ۱۳۹۷) و سبک‌های مختلفی را در عشق‌ورزی شناسایی کرده‌اند، اما هیچ‌یک برای ساخت ابزاری پایا و روا برای سنجش موضوع عشق و عشق‌ورزی اقدامی صورت نداده‌اند و در مطالعات کمی نیز آنگونه که اشاره شد بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و تربیتی جامعه ایرانی با جوامع غربی، از ابزارهای صدراالاشاره استفاده شده است.

لذا ضعف مطالعات تجربی در این زمینه از حیث کاربرد ابزارهای اندازه‌گیری بومی کاملاً مشهود بوده و در بررسی مطالعات صورت گرفته به راحتی می‌توان عدم هم‌خوانی

ابزارهای اندازه‌گیری با بستراجماعی، فرهنگی و تربیتی جامعه ایرانی را ردیابی نمود. در نتیجه با توجه به نقش فرهنگ و تربیت، تربیت فرهنگی و فرهنگ تربیتی در ادراک عشق‌ورزی، شناسایی مفهوم ادراک عشق‌ورزی و مولفه‌های آن و داشتن ابزار متناسب با واقعیت اجتماعی و متن و بطن فرهنگ اسلامی - ایرانی ضروری است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ادراک عشق‌ورزی در بین دانشجویان ایرانی صورت گرفت و با اتخاذ رویکردی آمیخته ابتدا به شناسایی ادراک دانشجویان مجرد از عشق‌ورزی پرداخته شد و سپس با ساخت ابزار متناسب از نتایج تحلیل کیفی، و به منظور پاسخگویی به سوالات ذیل:

۱. ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون ادراک عشق‌ورزی دانشجویان مجرد چگونه است؟
  ۲. آیا آزمون ادراک عشق‌ورزی دانشجویان مجرد از روایی و پایایی کافی برخوردار است؟
- ابزار ساخته شده مورد ارزیابی‌های روان‌سنجی قرار گرفت.

## روش

با توجه به ماهیت پیچیده عشق‌ورزی و وابسته به فرهنگ بودن آن و به منظور ارائه تحلیلی مناسب از این پدیده از روش آمیخته استفاده شد. بخش کیفی مبتنی بر نظریه پردازی داده‌محور<sup>۱</sup> و با به کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه ساخت یافته و بخش کمی با بهره‌گیری از روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی صورت بندی شد. نظریه زمینه‌ای، یک روش استقرایی است که تئوری از اطلاعات یا زمینه‌ای که اطلاعات در آن وجود دارد، ساخته می‌شود. به علاوه مفهوم سازی و عملیاتی کردن داده‌ها همزمان با گردآوری داده‌ها و تحلیل اولیه آن‌ها اتفاق می‌افتد (نیومن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). در نظریه زمینه‌ای هنگام گردآوری داده می‌توان از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و اسناد

1. Grounded Theory.  
2. Neuman, W.L.

نوشتاری استفاده کرد (رینتالا، پاریلینین و آستد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴)، اما ارائه نظریه زمینه‌ای مناسب، مستلزم گردآوری داده‌های متنی-مصاحبه‌ای است. به همین منظور در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده‌های کیفی از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. به منظور گردآوری اطلاعات در بخش کیفی با ۳۲ نفر از دانشجویان شامل ۱۸ دختر و ۱۴ پسر در محدوده سنی ۱۹ تا ۳۱ سال و براساس اشباع نظری و با روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه شد. مدت مصاحبه بین ۲۷ تا ۴۲ دقیقه متغیر بود. همچنین با توجه به اینکه در تحقیقات کیفی، رعایت دو اصل پرهیز از آسیب رساندن به شرکت‌کنندگان و رضایت آگاهانه آن‌ها برای ورود به مصاحبه شرط است (فلیک<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳)، اطمینان لازم را به شرکت‌کنندگان مبنی بر محرمانگی اطلاعات و استفاده از اطلاعات به گونه‌ای که کسی قادر به شناسایی آن‌ها نباشد، داده شد و به منظور اعتمادسازی، مصاحبه به صورت انفرادی و در فضایی کاملاً صمیمی انجام شد. در مورد اصل دوم نیز با شرکت‌کنندگان در ارتباط با هدف و چرایی تحقیق صحبت شد و پس از فهم آنان از فرآیند تحقیق، با کسانی که تمایل و رضایت در پاسخگویی به سؤالات تحقیق را داشتند، مصاحبه صورت گرفت. در این بخش نیز حق کناره‌گیری مشارکت‌کنندگان از پژوهش در هر زمان دلخواه و همچنین محرمانه ماندن رشته تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل، به رسمیت شناخته شد. لازم به ذکر است از دانشجویانی که در مصاحبه مشارکت داشتند از نظر جنسیت، تنوع در نمونه‌ها وجود داشت. متن مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA10 کدگذاری و مورد تحلیل قرار گرفتند و نهایتاً سه مقوله کلی ادراک عشق و ورزی اخلاق پیروی منطقی، خودپیروی عاطفی و خود پیروی ضد اخلاقی شناسایی شد. برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد تجزیه و تحلیل نتایج از دو تکنیک متعارف و مرسوم

---

1. Rintala, M. T., Paarilainen, E., & Asted T-K, P.

2. Flaick, o.

کنترل و ارزیابی از دید پاسخگویان و مقایسه‌های تحلیلی استفاده شد. سپس براساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مصاحبه یک آزمون ۲۱ سؤالی ساخته شد که از ۳ مؤلفه ادراک اخلاق پیروی منطقی، ادراک خودپیروی عاطفی و ادراک خودپیروی ضد اخلاقی از عشق‌ورزی تشکیل شده بود. سؤالات در اختیار ۵ تن از اساتید حوزه روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی قرار گرفت و نهایتاً با حذف ۳ سؤال در فرآیند ارزیابی (اعتبار صوری)، آزمونی با ۱۸ سؤال برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مورد آزمون قرار گرفت. شایان ذکر است درگیری طولانی مدت پژوهشگر به موضوع پژوهش (قریب به ۱۰ ماه) و دقت و توجه به اصول علمی مطالعات کیفی و ایضاً نظارت متخصصان و اساتید فعال در حوزه پژوهش کیفی (به عنوان نمونه، همکاران پژوهش) در فرآیند کدگذاری (کدگذاری‌های مستقل از سوی محققان حاکی از اشتراک نسبی در دریافت معانی و تفسیر متن بود) نیز علاوه بر افزودن بر قابلیت اعتماد نتایج این پژوهش باعث اشتراک معنایی در نامگذاری مؤلفه‌ها شد. به عنوان نمونه از ترکیب کدهای «نظارت‌پذیری در انتخاب همسر؛ مبنا بودن واسطه‌گری در انتخاب همسر؛ خانواده محوری در انتخاب همسر؛ حیا محوری در انتخاب همسر به ویژه در دختران، اعتقاد به اجرای تشریفات و آداب و رسوم ازدواج؛ ...؛ قبح مطرح کردن مسائل جنسی قبل از ازدواج» عامل کلی «اخلاق پیروی منطقی» شکل گرفت و سایر عامل‌ها به همین شیوه به دست آمدند که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است.

همچنین به منظور سنجش روایی محتوای آزمون و میزان توافق کدگذاران از نسبت روایی محتوایی لاوشه (CVR)، استفاده شد و برای این منظور از ۱۴ ارزیاب و خبره استفاده و پس از تحلیل پاسخ‌های خبرگان، آزمون نهایی ۱۸ گویه‌ای تنظیم و تأیید گردید که این رقم برای کل آزمون برابر ۰٫۸۹ و برای عامل اول (اخلاق پیروی منطقی)، عامل دوم (خودپیروی ضد اخلاقی) و عامل سوم (خودپیروی عاطفی) به ترتیب ۰٫۹۵؛

۰،۹۳؛ ۰،۸۰ بود که از میزان قابل قبول و بالایی برخوردار است.

در بخش کمی جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مجرد دانشگاه‌های سطح شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود که می‌بایست به آزمون ادراک عشق‌ورزی پاسخ دهند. برای این منظور از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. برای این اساس، دانشگاه به عنوان واحد نمونه‌گیری در نظر گرفته شد. شیوه نمونه‌گیری بدین صورت بود که ابتدا از بین دانشگاه‌های دولتی و آزاد شهر تهران ۵ دانشگاه (دانشگاه علامه طباطبائی، شهید بهشتی، امام صادق علیه السلام، علوم و تحقیقات و صنعتی امیرکبیر) به طور تصادفی انتخاب و سپس با تهیه فهرستی از دانشکده‌های دانشگاه‌های منتخب، از هر دانشگاه، یک دانشکده و از هر دانشکده یک گروه آموزشی به صورت تصادفی انتخاب گردید. در نهایت با در نظر گرفتن تجرد دانشجویان در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد آن گروه آموزشی از بین کلیه دانشجویان گروه آموزشی مطابق با چک لیست اسامی دریافتی از اداره آموزش دانشکده تعداد متناسب دانشجوی مجرد (از طریق خوداظهاری) انتخاب و تعداد ۵۶۰ پاسخگو (۳۱۴ دختر و ۲۴۶ پسر) با دامنه سنی ۱۹ تا ۳۳ سال نسبت به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام نمودند که در این بخش نیز به منظور تعیین شاخص‌های برازش مدل از نرم‌افزار LISREL استفاده شد.

## نتایج

در بخش کیفی، براساس نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در مورد ادراک عشق‌ورزی (جدول ۱)، سه مقوله به دست آمد که عبارتند از: ۱. ادراک اخلاق پیروی منطقی؛ ۲. ادراک خود پیروی عاطفی؛ ۳. ادراک خود پیروی ضد اخلاقی.

**جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده ادراک عشق ورزی از دید دانشجویان مجرد**

مقوله	برخی مفاهیم	برخی گزاره‌ها
ادراک اخلاق پیروی منطقی	نظارت‌پذیری درانتخاب همسر	ارتباط با جنس مخالف در زمینه همسرگزینی حتماً باید با اطلاع خانواده‌ها و زیر نظر اونا باشد.
	ریسک دوستی قبل از ازدواج	افرادی که درگیر رابطه با جنس مخالف نمی‌شن به خاطر احساس خیانت و گناه هست و میدونن که آخر و عاقبتی نداره.
	پیوند عشق با ایمان، عفت و پاکدامنی	من از خانواده خواستم که بگردند و یک دختر و جیه، عقیف و مؤمنه را برام انتخاب کنن.
	عشق با دوام، متعهدانه و به دور از خیانت	کسی که دوست نداشته باشه به خودش خیانت کنن هرگز به طرف مقابلش خیانت نمی‌کنه چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج.
	پیوند عشق با انگیزه ازدواج و تشکیل خانواده	به نظر من ارتباط با جنس مخالف فقط زمانی معنا و مفهوم داره که حتماً با قصد ازدواج باشه.
ادراک خودپیروی عاطفی	عشق در یک نگاه	به نظر من عشق یه بار اتفاق میفته و لحظه‌ای هست. همون اولین عشق، عشق واقعیه.
	کاهش تعصبات خانوادگی نسبت به روابط فرزندان با جنس مخالف	من در اطراف خودم خیلی دیدم که دو طرف بعد از مدتی آشنایی آنچنان با هم صمیمی شدن که برا همدیگه جون هم میدن و حتی خانواده هم نمی‌تونه توی تصمیم اونا برای ازدواج منعی ایجاد بکنه.
	خودمحوری درانتخاب شریک زندگی	این روزا دیگه جوون‌ها خوب و بد خودشون رو میفهمن. کسی که واقعاً قصد ازدواج داشته باشه میتونه راحت به طرف مقابلش بگه.
	کنش فعالانه دختران در انتخاب همسر	به نظر من این خیلی خوبه که امروزه دخترا هم میتونن همه جوره پای کسی که دوستش دارن بایستن.
ادراک خودپیروی ضد اخلاقی	مسئولیت‌گریزی	آدم باید خیلی احمق باشه که با ازدواج دست و پای خودشو ببنده. به نظر من ازدواج یعنی محدودیت.
	عدم تعهد به رابطه	به نظر من عشق و دوستی که دست و پای آدم رو نبنده (قصد ازدواج توش نباشه)، موجب رشد آدم میشه. آدم پیشرفتشو میکنه به لذتش میرسه، بدون اینکه بخواد متعهد بشه به کسی.
	تنوع طلبی و لذت‌گرایی از جنس مخالف	همون طوری که آدم میتونه چندین نوع عطر و ادکلن داشته باشه و استفاده کنه چه عیبی داره که از آدمای مختلف به واسطه ویژگی‌های مختلفشون خوشش بیاد؟
	آزادمنشی و سهولت در برقراری رابطه و قطع آن	اصلاً مگه آدم چقدر میخواد عمر کنه که به خودش سخت بگیره. وقتی دو طرف این رابطه رو بپذیرن به راحتی میتونن از هم جدا بشن بدون اینکه از هم ناراحت بشن.

در بخش دوم پژوهش (رویکرد کمی)، نتایج نشان داد که ۵۶/۱ درصد (۳۱۴ نفر) از شرکت‌کنندگان دختر و ۴۳/۹ درصد (۲۴۶ نفر) پسر بودند. در این میان بیشترین شرکت‌کنندگان پژوهش (۴۲۱ نفر معادل ۷۵/۲ درصد) در دامنه سنی ۱۹ تا ۲۳ سال، ۱۰۶ نفر (۱۸/۹ درصد) در دامنه سنی ۲۴ تا ۲۸ سال و ۳۳ نفر (۵/۹ درصد) در دامنه سنی ۲۹ تا ۳۳ سال بودند. همچنین تعداد ۴۱۳ نفر (۷۳/۸ درصد) در مقطع کارشناسی و ۱۴۷ نفر (۲۶/۳ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد و در دانشگاه‌های علامه طباطبائی (۱۰۶ نفر معادل ۱۸/۹ درصد)، شهید بهشتی (۱۱۰ نفر معادل ۱۹/۶ درصد)، امام صادق علیه‌السلام (۸۵ نفر معادل ۱۵/۲ درصد)، علوم و تحقیقات (۱۷۴ نفر معادل ۳۱/۱ درصد) و صنعتی امیرکبیر (۸۵ نفر معادل ۱۵/۲ درصد)، مشغول تحصیل بودند.

در جدول ۳، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به گویه‌های ادراک عشق‌ورزی نمایش داده شده است. لازم به ذکر است، کمینه و بیشینه هریک از متغیرهای زیر به ترتیب ۱ و ۵ می‌باشد.

جدول ۲. مشخصه‌های آماری عوامل ادراک عشق‌ورزی

ماردیا	کشیدگی	کجی	انحراف معیار	میانگین	گویه	مولفه
۲/۰۲	۸۱.۰-	۰۹.۰-	۱۶.۱	۰۶.۳	۱	اخلاق پیروی منطقی
	۹۸.۰-	۱۰.۰	۱۹.۱	۹۴.۲	۲	
	۸۹.۰-	۰۱.۰-	۱۴.۱	۹۹.۲	۳	
	۸۸.۰-	۰۲.۰	۱۸.۱	۰۱.۳	۴	
	۷۸.۰-	۰۷.۰-	۱۷.۱	۰۴.۳	۵	
	۸۷.۰-	۰۹.۰-	۱۷.۱	۰۹.۳	۶	
	۷۶.۰-	۰۸.۰-	۴۱.۶	۱۳.۱۸	نمره کل	
	۸۲.۰-	۱۶.۰	۱۳.۱	۹۹.۲	۷	خود پیروی ضد اخلاقی
	۹۵.۰-	۴۴.۰	۱۸.۱	۹۵.۲	۸	
	۹۱.۰-	۳۴.۰	۲۱.۱	۹۲.۲	۹	
	۸۰.۰-	۳۱.۰	۱۳.۱	۹۶.۲	۱۰	
	۹۸.۰-	۳۶.۰	۲۱.۱	۹۶.۲	۱۱	

مردیا	کشیدگی	کجی	انحراف معیار	میانگین	گویه	مؤلفه
	۸۳.۰-	۲۲.۰	۱۷.۱	۹۶.۲	۱۲	
	۷۴.۰-	۴۴.۰	۴۱.۶	۷۵.۱۷	نمره کل	
	۰۸.۰	۶۶.۰-	۹۸.۰	۵۸.۳	۱۳	
	۴۲.۰-	۲۳.۰-	۹۳.۰	۴۹.۳	۱۴	
	۲۲.۰-	۳۷.۰-	۹۶.۰	۵۱.۳	۱۵	
	۰۴.۰	۵۸.۰-	۰۰.۱	۵۹.۳	۱۶	
	۲۱.۰-	۴۲.۰-	۹۹.۰	۵۶.۳	۱۷	خودپیروی عاطفی
	۷۱.۰-	۳۹.۰-	۱۱.۱	۴۹.۳	۱۸	
	۲۰.۰-	۴۷.۰-	۰۳.۵	۲۲.۲۱	نمره کل	

اطلاعات جدول مشخصه‌های آماری همچون میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را برای عوامل ادراک عشق‌ورزی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده نشان می‌دهد. نتایج جدول نشان می‌دهد سؤالات و نمره کل مؤلفه خودپیروی عاطفی بیشترین میانگین پاسخ را داشته است.

برای بررسی نرمال بودن تک متغیری یک معیار کلی توصیه می‌کند که چنانچه کجی و کشیدگی در بازه (۳، -۳) نباشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند (کولیکن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). براساس داده‌های جدول ۳ مشخص می‌شود که شاخص کجی و کشیدگی هیچ یک از نشانگرها، خارج از بازه (۳، -۳) نیست و بنابراین می‌توان آن‌ها را نرمال یا تقریب نرمال در نظر گرفت. همچنین با توجه به اینکه یکی از مفروضه‌های مدلسازی معادلات ساختاری نرمال بودن توزیع چند متغیری است، از ضریب کشیدگی چند متغیری ماردیا نیز استفاده شد. بنتلر<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) پیشنهاد می‌کند که مقادیر بزرگتر از ۵ برای ضریب ماردیا نشان دهنده توزیع غیرنرمال داده‌ها است (برن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). مقدار ضریب ماردیا برای

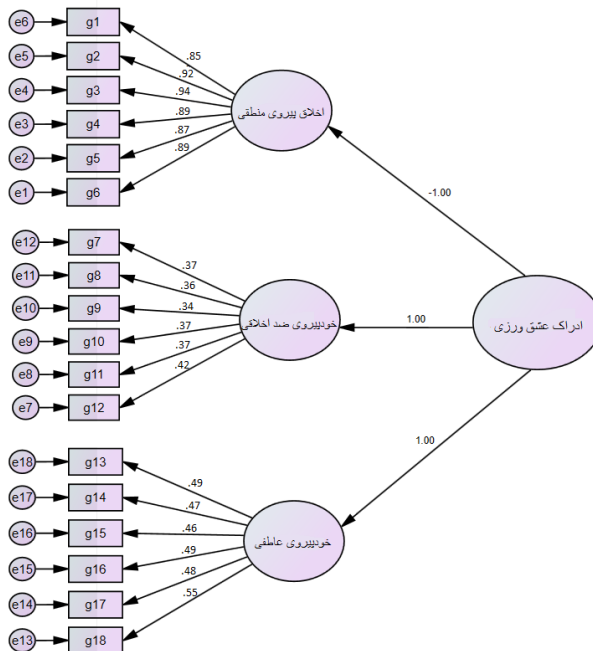
1. Coolican, H.  
2. Bentler, P. M.  
3. Byrne, B. M.



داده‌های پژوهش حاضر برابر با ۲/۰۲ است که نشان می‌دهد مفروضه نرمال بودن چند متغیره برقرار است. بنابراین می‌توان روش برآورد بیشینه درست نمایی<sup>۱</sup> (ML) را مورد استفاده قرار داد.

برای پاسخ به سوال پژوهش از مدل تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. براین اساس، مدل ادراک عشق‌ورزی توسط ۱۸ گویه اندازه‌گیری و آزمون تحلیل عاملی بر روی ادراک عشق‌ورزی انجام شد.

برآوردهای پارامتر استاندارد شده در شکل زیر نشان می‌دهد که همه شاخص‌ها از لحاظ آماری معنادار هستند و بارهای عاملی آن در سطح بالایی قرار دارند. بررسی نتایج شاخص‌های برازش حاکی از برازش مناسب مدل می‌باشد. شکل زیر مربوط به مدل نهایی ادراک عشق‌ورزی است.



شکل ۱. مدل ادراک عشق‌ورزی در حالت ضرایب استاندارد شده

1. Maximum likelihood.

در جدول زیر، مهم‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های برازش کلی مدل‌های معادلات ساختاری آورده شده است. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، تمامی شاخص‌ها کفایت آماری دارند. بنابراین، با اطمینان بسیار بالایی می‌توان دریافت محقق در مورد این شاخص‌ها به برازش کامل دست یافته است.

جدول ۳. گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	خی دو بر درجه آزادی	-	۲۷.۳	کمتر از ۵
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۹۵.۰	بزرگتر از ۰.۹
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۹۳.۰	بزرگتر از ۰.۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۹۶.۰	بزرگتر از ۰.۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰.۴۰	کمتر از ۰.۰۵

برازش کلی مدل‌های معادلات ساختاری با سه شاخص کلی برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد نشان داده می‌شود. برابر جدول ۳. مقدار شاخص GFI که مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌ها را به گونه مشترک از طریق مدل ارزیابی می‌کند بزرگتر از ۰.۹۰ است همچنین شاخص برازندگی دیگر، AGFI یا همان مقدار تعدیل یافته GFI برای درجه آزادی است که معادل با کاربرد میانگین مجذورات بجای مجموع مجذورات در صورت و مخرج است و مقدار این شاخص نیز بالاتر از ۰.۹۰ گزارش شده است و حاکی از برازش خوبی است. آزمون مجذور کای (خی-دو)، نیز این فرضیه را که آیا مدل مورد نظر هماهنگ با الگوی همپراشی بین متغیرهای مشاهده شده است یا خیر را می‌آزماید. کمیت خی-دو بسیار به حجم نمونه وابسته می‌باشد و نمونه بزرگ، کمیت خی-دو را بیشتر از آنچه که بتوان آنرا به غلط بودن مدل نسبت دارد، افزایش می‌دهد. متخصصین آماری معتقدند مقادیر ۱ تا ۵ برای شاخص خی دو نسبتی مناسب و مقادیر نزدیک به ۲ تا

۳ بسیار خوب تفسیر می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹). بنابراین، مقدار گزارش شده ۳٫۲۷ در جدول ۴ حاکی از وضعیت قابل قبول برای هر یک از مدل‌هاست. شاخص برازش تطبیقی (CFI) بزرگتر از ۰٫۹ قابل قبول بوده و نشانه برازندگی مدل است. این شاخص، از طریق مقایسه یک مدل به اصطلاح مستقل که در آن بین متغیرها هیچ رابطه‌ای نسبت با مدل پیشنهادی مورد نظر، مقدار بهبود را می‌آزماید. مقدار گزارش شده این شاخص در جدول فوق ۰٫۹۶ گزارش شده که حاکی از برازندگی مدل است. نهایتاً شاخص برازش مقتصد (RMSEA) نیز که ریشه میانگین مجذروات تقریبی است برای مدل‌های خوب کم‌تر یا برابر ۰٫۰۵ است و مقدار آن در جدول فوق ۰٫۰۴ گزارش شده که نشان می‌دهد این مدل‌ها در کل قابل قبول بوده و تأیید می‌گردد.

در ادامه شاخص‌های اندازه‌گیری مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم گزارش می‌شود.

جدول ۴. ضرایب و معناداری بارهای عاملی مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

متغیر	مؤلفه	وزن	آماره $t$	sig
	اخلاق پیروی منطقی	۲۴٫۲-	۴۳٫۱۰-	۰۰۱٫۰
ادراک عشق‌ورزی	خود پیروی ضد اخلاقی	۶۵٫۰	۱۳٫۴	۰۰۱٫۰
	خود پیروی عاطفی	۰۰٫۱	-	۰۰۱٫۰

آنچه از نتایج جدول ۴ برمی‌آید این است که عوامل هر سه مقیاس بار عاملی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارند. همچنین عامل سنتی در رابطه معکوس (منفی) با دو عامل دیگر است.

در ادامه شاخص‌های اندازه‌گیری مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول گزارش می‌شود.

جدول ۵ ضرایب و معناداری بارهای عاملی مدل تحلیل عاملی تاییدی مرتبه اول

مؤلفه	گویه	وزن استاندارد	آماره ی <sup>۲</sup>	sig
اخلاق‌پیروی منطقی	۱	۰.۸۵	۸۱.۲۹	۰۰۱.۰
	۲	۰.۹۲	۳۱.۸۴	۰۰۱.۰
	۳	۰.۹۴	۳۲.۱۸	۰۰۱.۰
	۴	۰.۸۹	۳۰.۴۵	۰۰۱.۰
	۵	۰.۸۷	۳۰.۹۷	۰۰۱.۰
	۶	۰.۸۹	۳۱.۰۵	۰۰۱.۰
خود پیروی ضد اخلاقی	۷	۰.۳۷	۶.۶۸	۰۰۱.۰
	۸	۰.۳۶	۶.۵۸	۰۰۱.۰
	۹	۰.۳۴	۶.۰۰	۰۰۱.۰
	۱۰	۰.۳۷	۶.۶۴	۰۰۱.۰
	۱۱	۰.۳۷	۶.۹۴	۰۰۱.۰
	۱۲	۰.۴۲	۷.۰۴	۰۰۱.۰
خود پیروی عاطفی	۱۳	۰.۴۹	۸.۹۴	۰۰۱.۰
	۱۴	۰.۴۷	۸.۶۷	۰۰۱.۰
	۱۵	۰.۴۶	۸.۰۸	۰۰۱.۰
	۱۶	۰.۴۹	۸.۹۱	۰۰۱.۰
	۱۷	۰.۴۸	۸.۸۸	۰۰۱.۰
	۱۸	۰.۵۵	۱۰.۰۴	۰۰۱.۰

آنچه از نتایج جدول ۵ برمی‌آید این است که همه گویه‌ها در هر سه مؤلفه اخلاق پیروی منطقی، خود پیروی ضد اخلاقی و خود پیروی عاطفی بار عاملی معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارند. با توجه به نتایج جدول فوق می‌توان گفت آزمون ادراک عشق‌ورزی از روایی سازه قابل قبولی برخوردار است.

برای پاسخگویی به سوال دوم پژوهش از آلفای کرونباخ و روش دو نیم کردن استفاده

شد.

جدول ۶. ضریب پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ

مقدار $\alpha$	تعداد آیم‌ها	تعداد نمونه	مقیاس
۰/۹۱	۱۸	۵۶۰	کل آزمون (ادراک عشق‌ورزی)
۰/۸۹	۶	۵۶۰	مؤلفه اول (اخلاق پیروی منطقی)
۰/۸۵	۶	۵۶۰	مؤلفه دوم (خود پیروی ضد اخلاقی)
۰/۸۷	۶	۵۶۰	مؤلفه سوم (خود پیروی عاطفی)

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که میزان قابلیت اعتماد (پایایی) آزمون از طریق ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) سنجیده شده که نتایج برای همه مؤلفه‌ها و کل آزمون، میزان آلفای بیش از ۰٫۷ را گزارش نموده که حاکی از قابلیت اعتماد به گویه‌های این آزمون و ضریب پایایی بالای آزمون است.

جدول ۷. ضریب پایایی با استفاده از روش دو نیم کردن

۰/۸۴	۹ سؤال اول	بخش اول آزمون	ضریب آلفای کرونباخ
۰/۸۸	۹ سؤال آخر	بخش دوم آزمون	
۰/۸۱			همبستگی بین دو بخش

همچنین برابراطلاعات جدول ۷ مقادیر پایایی هر یک از بخش‌های آزمون و همبستگی بین دو آزمون در حد مطلوبی قرار دارد. بنابراین می‌توان گفت آزمون ادراک عشق‌ورزی از اعتبار لازم برخوردار است.

### بحث و نتیجه‌گیری

اگرچه عشق‌ورزی مفهومی جهانی است و نگرش‌های زیربنایی یکسانی به آن در تمامی جوامع قابل مشاهده است، اما به نظر می‌رسد در محیط‌های فرهنگی مختلف، شکل‌های پویایی متفاوتی به خود می‌گیرد، ضمن اینکه تجارب تربیتی، جامعه‌پذیری و هنجارپذیری متفاوت توسط هر یک از افراد می‌تواند بر جنبه‌های فردی عشق‌ورزی تأثیر

بگذارد. از این رو، این پژوهش به ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون ادراک عشق‌ورزی با توجه به بافت و فرهنگ جامعه ایرانی پرداخته است.

نتایج حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها با دانشجویان مجرد نشان داد که عشق‌ورزی از نگاه آن‌ها دارای سه مؤلفه اخلاق‌پیروی منطقی، خود‌پیروی ضد اخلاقی و خودپیروی عاطفی است. براین اساس آزمونی ۱۸ سؤالی به منظور سنجش ادراک عشق‌ورزی دانشجویان در هر سه مؤلفه اشاره شده ساخته شد. هر مؤلفه با ۶ گویه و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون مشخص شد که همه گویه‌ها بار عاملی مناسبی دارند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی ۳ عامل را نشان داد. عامل اول (شامل سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶) با عنوان اخلاق‌پیروی منطقی؛ عامل دوم (شامل سؤالات ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) با عنوان خود‌پیروی ضد اخلاقی و عامل سوم (شامل سؤالات ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸) با عنوان خودپیروی عاطفی.

در این راستا می‌توان به برخی پژوهش‌ها اشاره کرد. برای نمونه قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی در زمینه جوانان و روابط پیش از ازدواج نشان دادند که جوانان در مراودات با جنس مخالف دو سبک عاشقانه و مبتنی بر فریب را در پیش می‌گیرند. ویژگی سبک عاشقانه، پیوند بین صمیمت و تمایل جنسی فرد با شریک جنسی خود به نحوی است که افراد در پی افرادی هم سن و سال و با روحیات مشابه هستند تا بتوانند علاوه بر رابطه جنسی پیوند عاطفی و محبت‌آمیز نیز برقرار کنند. سبک مبتنی بر فریب نیز با ویژگی‌هایی تنوع بیشتر، تعهد کمتر و رسیدن به منافع خاص با ظاهری عاشقانه ولی فریبکارانه مشخص می‌شود. در پژوهشی دیگر کرمانی و همکاران (۱۳۹۷)، در مطالعه خود با محوریت همسرگزینی دختران نشان دادند که راهبردهای دختران در انتخاب همسر در سه سبک سنتی، دوستانه و ترکیبی نشانه‌گذاری می‌شود. در سبک سنتی، کارگزاران اصلی ازدواج والدین هستند و اولین تماس از ناحیه خانواده پسر با خانواده دختر برقرار و مشخصات پسر خود را ارائه و در صورت موافقت اولیه اولین جلسه ملاقات در منزل دختر

ترتیب می‌گیرد. در این سبک تمامی مراودات طرفین زوجیت با اطلاع خانواده و با حضور آن‌ها انجام می‌شود. در این سبک معمولاً عشق بعد از ازدواج به وجود می‌آید. در سبک دوستانه یا رومانتیک، دختر و پسر بدون اطلاع خانواده با هم آشنا می‌شوند و بعد از مدت نامعلومی خانواده‌ها را در جریان قرار داده و با هم ازدواج می‌کنند. از جمله ویژگی‌های این سبک ارتباط جسمی جنسی قبل از ازدواج به واسطه درگیری عاطفی شدید بین دو طرف رابطه است. اما افرادی که در دسته سبک ترکیبی قرار می‌گیرند معمولاً در محیط‌های دانشگاهی و فضای کار با یکدیگر آشنا شده و در فاصله کوتاهی با خانواده‌ها مطرح و مراسم خواستگاری را ترتیب می‌دهند و مراودات بعدی دختر و پسر با اطلاع خانواده‌ها و البته بدون حضور آن‌ها انجام می‌شود.

بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه نیمه ساختار یافته در این پژوهش ادراک دانشجویان از عشق ورزی در سه مؤلفه اخلاق پیروی منطقی، خود پیروی عاطفی و خود پیروی ضد اخلاقی دسته بندی شدند.

بُعد اخلاق پیروی منطقی به نظارت پذیری (انسانی (والدینی) و الهی)، خانواده محوری، تعهد محوری طرفین زوجیت معطوف است به نحوی که دختران و پسرانی که در این سبک دسته بندی می‌شوند دوستی قبل از ازدواج را پرخطر دانسته و ایمان، عفت و پاکدامنی را مهمترین مؤلفه یک زندگی متعهدانه و پایدار می‌دانند. برای این دسته از افراد رابطه دختر و پسر فقط در چارچوب ازدواج و با هدف تشکیل خانواده معنا و مفهوم می‌یابد و افراد معتقدند عشقی که پس از ازدواج بین طرفین شعله ور شود مانا تر و متعهدانه تر خواهد بود. این افراد به هیچ وجه شروع کننده یک رابطه با جنس مخالف نیستند و تمامی تشریفات یک خواستگاری را با حضور فعالانه بزرگترها به پیش می‌برند و چنانچه در جلسات اول معیارهای پیش گفته را در طرف مقابل نبینند به شکلی معقول و منطقی از ادامه روند خواستگاری ممانعت می‌کنند. حیا محوری طرفین زوجیت به ویژه برای دختران در این سبک، پررنگ است. در این سبک طرح کردن

مسائل جنسی قبل از ازدواج به صورت واضح و شفاف قیبح و ضد اخلاقی انگاشته می‌شود از نظر کلبرگ، جهان اخلاقی یک جهان خودساخته فردی است که به طور اتفاقی تحول نمی‌یابد بلکه از یک الگوی سلسله‌مراتبی با حرکت فرد از تمرکز ساده و محدود بر "خود" به افزایش مراقبت از اخلاق سیستمی<sup>۱</sup>، یعنی افزایش آگاهی نسبت به عملکرد پایدار جامعه در عوض منافع خودمحوارانه و تمایل به حمایت از قوانین برای تحقق چنین آرمان‌هایی، پیروی می‌کند (استفنز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). لذا چنانچه پیداست الگوی اخلاق پیروی منطقی عشق، حاصل آن چیزی است که در پس ظواهر جسمانی و زیرپا گذاشتن هنجارها و قوانین اجتماعی قرار دارد. این یافته همسوبا سبک سنتی پژوهش‌گرمانی و همکاران (۱۳۹۷) است که معتقد بودند نظارت والدینی در این شیوه کاملاً فعالانه است.

برخی در تبیین اینگونه عشق‌ورزی معتقدند عاشق با شخصیت و جنبه‌های درونی معشوق ارتباط برقرار می‌کند و لذا وجود معشوق برای وی جایگزین ناپذیر و غیرقابل تعویض است (هوشنگی و همکاران، ۱۳۹۳). به تعبیر برخی دیگر از مفسرین این نوع عشق‌ورزی ناشی از محبت بین طرفین است که تناسب معنوی پنهانی با یکدیگر دارند و در پی طمع جمال و جاه و مال از یکدیگر نیستند. استناد این دسته از مفسران به روایت پیامبر اکرم (ص)<sup>۳</sup> است که می‌فرماید: «الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُّجَدَّدَةٌ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا اتَّخَلَّفَ، وَ مَا تَنَاكَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ»؛ «روح‌ها همچون سپاه‌یانی هستند فراهم آمده، که هر کدام از آن‌ها، که با هم آشنایی و سازگاری داشته باشند، با هم الفت می‌گیرند و هر کدام از آن‌ها که با هم ناآشنا باشند، با هم اختلاف پیدا می‌کنند» (نراقی، ۱۴۰۵). در این راستا، برخی روان‌شناسان معتقدند عشق‌ورزی‌های اخلاق‌مدارانه، عشقی پایدار است چرا که از حالت هیجانی صرفی که در عشق جنسی و جسمانی و ارضای غریزه جنسی است به دور بوده و جوهر این نوع عشق، آن را اراده کرده و به همین دلیل، عشق پس از مرگ معشوق نیز ادامه

1. System's Morality.  
2. Stephens, D. G.



می‌یابد. از این منظر عشق مستقل از جسم است و جسم هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای تجلی. در این عشق، هرچند ظاهر جسمانی شخص به طور نسبی با معشوق بودن وی ارتباط کمی دارد اما حتی ضعف‌های جسمانی و فاصله‌های خلقی نیز از خود عشق، ارزش کسب می‌کنند و عشق این ویژگی‌ها را دوست داشتنی می‌کند (لین و همکاران، ۲۰۱۸).

بعد خودپیروی ضد اخلاقی کاملاً نظارت‌گریز و خانواده‌گریز بوده و گونه‌های نامناسب سبک زندگی و ازدواج‌های تصادفی و الگوهای هم‌باشی را نمایندگی می‌کند. این نوع عشق ورزشی سطحی بوده و بر پایه هیجان‌ها و انگیزه‌های جنسی عمدتاً زودگذر بنیان می‌شود. افرادی که در این الگوی عشق ورزشی قرار می‌گیرند افرادی مسئولیت‌گریز؛ غیر متعهد به رابطه؛ و تنوع‌طلب هستند که برای آن‌ها عدم تحدید آزادی فردی و لذت‌گرایی از جنس مخالف اهمیت دارد. بنابراین برای این دسته از افراد ویژگی‌های ظاهری و جسمانی جنس مخالف برجسته می‌شود لذا به سهولت رابطه‌ای را شروع و عندالزوم قطع می‌کنند. روابط این افراد عمدتاً از دید عموم مخفی و در مواردی که منجر به ازدواج بشود مبتنی بر شهوت و التذاذ جنسی شکل می‌گیرد. این یافته با سبک مبتنی بر فریب در پژوهش قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) و سبک دوستانه در پژوهش کرمانی و همکاران (۱۳۹۷)، همسواست. لذا آنگونه که پیداست در این نوع عشق ورزشی که مبدأ آن شهوات بدنی و هدف آن طلب لذت حیوانی و ارضای تمایلات خود محب و خشن است صرفاً به التذاذ جنسی توجه می‌شود. در این عشق مبنای عشق و تمنای طرف مقابل فقط تمتع شهوانی است و ارضای تمایلات نفسانی است. برخی حکما در بیان ویژگی این شیوه عشق ورزشی معتقدند چنین عشقی با وصول به معشوق و گذشت ایام رو به سردی گذاشته و گاهی نیز به کینه و نفرت تبدیل می‌شود تا جایی که چه بسا معشوق آدمی، دشمن‌ترین دشمنان او تلقی می‌شود (ملاصدرا، ۱۹۸۱، جلد ۷: ۱۷۶). بنابراین در این نوع عشق ورزشی، صرفاً ظاهر جسمانی شخص دیگر، از نظر جنسی تحریک کننده

بوده و این تحریک‌کنندگی، مسائل جنسی را در شخصی که از نظر جنسی مستعد است برمی‌انگیزاند و نتیجه آن عشوه‌گری‌ها، عاشق‌پیشگی‌های سطحی و زودگذر است که طرفین رابطه همدیگر را صرفاً شریک جنسی می‌دانند و لذا این نوع ارتباط بسیار شکننده است (نتوو و ویلکس، ۲۰۱۷). باومن<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) نیز ویژگی‌های این نوع عشق‌ورزی را گمنامی، رقیق بودن، سادگی برقراری و قطع رابطه، و فردی شدن روابط و فردگرایی فزاینده و توأم با معاینه دائمی و عدم اطمینان در پیوندها ذکر کرده و معتقد است در این شیوه عشق‌ورزی هیچگونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هرگونه رابطه‌ای که ما برای مدتی آن را ادامه می‌دهیم، باید بسیار سست باشد که تا حد امکان و به سادگی با تغییر شرایط این رابطه قابل فسخ باشد (باومن، ۱۳۹۲). وی معتقد است اگرچه افراد در این نوع عشق‌ورزی، آزادی را به دست می‌آورند اما امنیت، اعتماد، تعهد و پایداری روابط مؤلفه‌هایی هستند که از دست خواهند داد (باومن، ۲۰۰۷).

بعد خودپیروی عاطفی ویژگی عشق‌ورزی افرادی است که قائل به عشق در یک نگاه هستند. در این مدل عشق‌ورزی نظارت منفعلانه والدین و کاهش تعصبات خانوادگی نسبت به روابط فرزندان با جنس مخالف قبل از ازدواج موجب خودمحوری در انتخاب شریک زندگی را برای فرزندان به وجود آورده و به ویژه دختران را با کنش فعالانه‌تری نسبت به سال‌های گذشته در امر ازدواج و عشق‌ورزی پیش از ازدواج همراه کرده است. عنصر صمیمیت و لزوم شناخت متقابل قبل از ازدواج در این نوع عشق‌ورزی پررنگ بوده و افراد مبتنی بر تجربیات مثبت و منفی عاطفی به ازدواج می‌نگرند و لذا ازدواج بر اساس تمایلات درونی خاص طرفین شکل می‌گیرد و معمولاً با حمایت جدی طرفین ازدواج نیز مواجه می‌شود. این نوع ازدواج مبتنی بر شهوت و عشق به صورت توأمان است. این یافته با سبک عاشقانه در پژوهش قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) و سبک ترکیبی در پژوهش کرمانی و همکاران (۱۳۹۷) همسواست. در همین راستا، گیدنز<sup>۲</sup> معتقد است که تکثرو

1. Bauman, Z.

2. Giddens, A.

تعدد انتخاب‌ها و باز بودن جهان مدرن به روی کنشگران اجتماعی، موجبات تغییر شکل صمیمیت‌ها و آشنایی‌های خصوصی را فراهم آورده است. گیدنز این دگردیسی صمیمت را ویژگی نظام اجتماعی مدرن می‌داند و بیان می‌کند که در چنین نظامی ارتباط‌های دوستانه و خصوصی با افرادی برقرار می‌شود که می‌بایست آن‌ها را از میان امکانات گوناگون انتخاب کرد. در چنین نظامی، گستره انتخاب هر فرد بسیار باز و وسیع و حفظ پیوندهای صمیمی و نزدیک نیز مستلزم برنامه‌ریزی و بازاندیشی دائمی درباره این پیوندهاست. از نظر گیدنز، در حقیقت روابط دوستانه و صمیمیت‌های پایدار جهان مدرن، بیش از پیش به صورت نوعی رابطه ناب درآمده است. وی رابطه ناب را نوعی رابطه اجتماعی خود مرجع می‌داند که منحصراً وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۲). گیدنز معتقد بود سرشت این نوع عشق‌ورزی، افراد را به سوی دوستی‌های مبتنی بر صمیمیت و اعتماد متقابل ناشی از خود واگشایی طرفین رابطه سوق داده است (گیدنز، ۱۹۹۲).

در پاسخگویی به سوال دوم پژوهش نیز محاسبه اعتبار و روایی نشان داد که آزمون ادراک عشق‌ورزی اعتبار و روایی بالایی دارد به نحوی که آلفای کرونباخ = ۰/۹۱۷ حاکی از پایایی بالا و همسانی مطلوب گویه‌های آزمون است؛ همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی بیانگر روایی سازه این آزمون و ۳ مؤلفه‌ای بودن آن است.

لذا با توجه به اهمیت انکارناپذیر ادراک عشق‌ورزی در ازدواج، تشکیل خانواده و سلامت تربیتی جامعه، ضرورت وجود ابزاری بومی و استاندارد احساس می‌شد که با توجه به مشخص شدن عامل‌های آزمون ادراک عشق‌ورزی، می‌توان آزمون مذکور را ابزاری روا، معتبر و جامع برای سنجش عشق‌ورزی در بین افراد مجرد قلمداد نمود که می‌تواند در جهت پر کردن خلأ موجود در خدمت پژوهشگران کشور قرار گیرد و زمینه پژوهش‌های متعددی را در قلمرو روان‌شناسی تربیتی و به منظور ارائه سیاست‌های تربیتی فراهم آورد. با توجه به اینکه این پژوهش بر روی دانشجویان دانشگاه‌های تهران (به عنوان یک

کلانشهر مدرن) انجام شده است برای تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود این آزمون در نمونه‌های دیگر اجرا و عامل‌های آن تعیین شود.

## منابع

- قرآن کریم.
- افشاریان، ن. (۱۳۹۶). پیش‌بینی شکل‌گیری هویت مدرن در دانشجویان دختر بر اساس میزان استفاده از شبکه‌های مجازی. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۲۴(۱)، ۱۴۷-۱۲۱.
- امانی، ا. و بابایی‌گرمخانی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه همبستگی خانواده و الگوی انضباطی والدین با بحران هویت و عشق‌پریشور به جنس مخالف در پسران نوجوان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۳)، ۵۵۰-۵۲۹.
- باومن، ز. (۲۰۰۳)، *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*. ترجمه عرفان ثابتی، ۱۳۹۲، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- پورمحسنی‌کلوری، ف. (۱۳۹۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی سبک‌های عشق‌ورزی دانشجویان. *فصلنامه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱۶(۱)، ۳۲-۱۷.
- حرعاملی، م. (۱۴۱۶ه.ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. ترجمه مجمدرضا حسینی جلالی، ۱۳۸۷، جلد چهاردهم، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.
- خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف؛ کاظمی‌پور، ش. و رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج برسن و تمایل به ازدواج در دانشجویان شهر تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۹(۳۳)، ۲۴-۷.
- ذکایی، م. (۱۳۸۴). *بررسی رفتارهای خطرناک با تأکید بر روابط جنسی آزاد: مطالعه موردی شهر تهران*. تهران: سازمان ملی جوانان.
- رجبی، غ؛ عباسی، ق. و شمعوئی‌اهوازی، ش. (۱۳۹۴). در پژوهشی با عنوان «سبک‌های همسرگزینی (سنتی، آزاد و ترکیبی) و رضایت زناشوی در پرستاران. *فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۱۱(۱)، ۷۷-۸۶.
- رجبی، غ؛ عباسی، ق. و خجسته‌مهر، ر. (۱۳۹۱). آیا دختران عمل‌گرایانه‌تر از پسران هستند؟ مقایسه سبک‌های عشق‌ورزی در میان دانشجویان. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲(۱۰)، ۱۰۶-۹۵.
- صادقی، ش. و پیروزمند، ع. (۱۳۹۷). *کارکردهای توحیدمحوری در ارکان و روابط خانواده*. تهران: مؤسسات انتشارات امیرکبیر.
- عبدی، ح. و گلزاری، م. (۱۳۸۹). ارتباط میان سبک‌های عشق‌ورزی و ویژگی‌های شخصیتی. *فصلنامه روان‌شناسی و دین*، ۳(۳)، ۷۴-۵۳.
- علاسوند، ف. (۱۳۹۲). *زن در اسلام*. چاپ سوم، تهران: نشرهاجرطوسی.

- فلیک، ا. (۲۰۰۹). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، ۱۳۹۳، تهران: نشر نی.
- قادرزاده، ا؛ محمدی، ف. و محمدی، ح. (۱۳۹۶). جوانان و روابط پیش از ازدواج. مطالعه کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن. *راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۳۸)، ۷-۴۰.
- قاسمی، و. (۱۳۸۳). *سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده رابطه دوستانه دختر و پسر*، مورد مطالعه دانشگاه صنعتی اصفهان. *مطالعات جوانان*، ۳(۷)، ۹۰-۱۱۳.
- کرمانی، م؛ اصغریورماسوله، ا. و برادران کاشانی، ز. (۱۳۹۷). همسرگزینی دختران جوان: کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۵۵)، ۳۰۳-۳۲۶.
- کریمی، م؛ دنیوی، و؛ راه نجات، ا. و کیانی مقدم، ا. (۱۳۹۶). رابطه معنویت‌گرایی با عشق‌ورزی و الگوی ارتباطی زوج‌ها. *فصلنامه پرستار و پزشک در رزم*، ۵(۱۵)، ۴۴-۵۲.
- گیدنز، آ. (۱۹۹۱). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، ۱۳۹۲، نشر مرکز.
- مصطفائی، ف. و بیوسته‌گر، م. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سبک عشق‌ورزی بر اساس دلبستگی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. *مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، ۳(۲)، ۲۰-۱۱.
- مطهری، م. (۱۳۹۵). *فطرت*. چاپ بیست و هشتم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۸۹). *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*. چاپ بیست و نهم، تهران: انتشارات صدرا.
- ملاصدرا شیرازی، م. (۱۹۸۱). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- میرزایی، خ. و برغمندی، ه. (۱۳۸۹). رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن. *رفاه اجتماعی*، ۱۰(۴)، ۱۵۸-۱۳۱.
- نراقی، م. (۱۴۰۵). *معراج السعاده*. ویرایش: محمدرضا سلیمانی، ۱۳۸۷. تهران: انتشارات خاتم الانبیا.
- نیازی، م. و پرنیان، ل. (۱۳۹۳). *سنخ‌بندی دوستی‌های بین دو جنس (مورد مطالعه: دختران جوان شهر کرمانشاه)*. *زن در توسعه و سیاست*، ۵(۳)، ۱۶۸-۱۴۷.
- هدایتی دانا، س. و صابری، ه. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی (صمیمیت، میل، تعهد) و اضطراب. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۴۰)، ۵۱۱-۵۲۷.
- هوشنگی، ح؛ امین‌ناجی، م؛ جمشیدی‌راد، م. و موسایی‌پور، م. (۱۳۹۳). اهمیت و جایگاه عشق بین همسران در سبک زندگی اسلامی-ایرانی. *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، ۷(۲)، ۱۴۳-۱۱۷.
- Ahmetoglu, G. Swami, V. & Chamorro-Premuzic, T. (2010). The Relationship Between Dimensions of Love, Personality, and Relationship Length. *Arch Sex Behav*. 39(5), 1181-1190.
- Bauman, Z. (2007). *Consuming Life*. Polity Press.
- Bentler, P.M. (2005). *EQS 6 Structural Equations Program Manual*. *Multivariate Software*, Encino.

- Burack, J. A., Reynolds, A., Landry, O., Klassen, G., Russo, N., & Fryberg, S. (2017). *Cultural influences and perspectives on developmental psychopathology: Evidence from aboriginal communities in North America*. In L. Centifanti, & D. Williams (Eds.). *Handbook of developmental psychopathology*. Cambridge, UK: Wiley-Blackwell.
- Byrne, B. M. (۲۰۱۰). *Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming*. Routledge.
- Coolican, H. (2009). *Research methods and statistics in psychology*. New York: Hodder Education.
- Fisher, M. L., Woth, K., Garcia, J. R., & Meredith, T. (۲۰۱۲). Feelings of regret following uncommitted sexual encounters in Canadian university students. *Culture, Health, and Sexuality*, ۱۴(1), ۴۵-۵۷.
- Fowler, A.C. (2007). Love and marriage through the lens of sociological theories. *Journal of the sociology of self-knowledge*, 5(2), 61-72.
- Gelik, K. (2018). Unmarried women with closed “windows of opportunity”: Professional women's reasons for not getting married. *Women's Studies International Forum*. 66 (4), 48-55.
- Giddens, A. (1992). *The transformation of intimacy: Sexuality, love, and eroticism in modern societies*. Stanford University Press.
- Hatfield, E., Rapson, R. (1986). *The passionate love scale. Handbook of sexuality related measures: A Compendium Thousand Oaks, CA: Sage Publication*.
- Hatfield, E., Rapson, R. L., & Martel, L. D. (۲۰۰۷). Passionate love and sexual desire. In S. Kitayama & D. Cohen (Eds.), *Handbook of cultural psychology*. New York: Guilford Press. 760-779.
- Hendrick, C., & Hendrick, S. S. (19۹۸). Research on love: Does it measure up?. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56(1), 784-794.
- Hull, D. M., Saxon, T. F., Fagan, M. A., Williams, L. O., & Verdisco, A. E. (2018). Positive youth development: An experimental trial with unattached Adolescents. *Journal of Adolescence* 67 (3), 85-97.
- Kanemasa, Y. Taniguchi, J. Daibo, I., & Ishimori, M. (200۷). Love styles and romantic love experiences in Japan. *Social Behavior and personality*, 32(2), 265-281.
- Khaerul. U. N. (2012). Land, marriage and social exclusion: the case of Madurese exile widow. *Social and Behavioral Sciences*. 65 (3), 180-185.
- Lee, Y. M., Florez, E., Tariman, J., McCarter, S., & Riesche, L. (۲۰۱۵). Factors related to sexual behaviors and sexual education programs for Asian-American adolescents. *Applied Nursing Research*, ۲۸(۳), ۲۲۲-۲۲۸.
- Lin, J. L. L., Chan, M., Kwong, K., & Au, L. (2018). Promoting positive youth development for Asian American youth in a Teen Resource Center: Key

- components, outcomes, and lessons learned. *Children and Youth Services Review* 91(3), 413–423.
- Luyckx, K., Seiffge-Krenke, I., Schwartz, S. J., Crocetti, E. & Klimstra, T.A. (2014). Identity configurations across love and work in emerging adults in romantic relationships. *Journal of Applied Developmental Psychology*. 35(1), 192–203.
  - Myers, D. G. (2010). *Social Psychology*, Ohio: McGraw-Hill Comp.
  - Neto, F. (۲۰۱۴). Psychometric properties of the Portuguese version of the compassionate love for close others and humanity scale among older people. *Educational Gerontology*, ۴۰(6), ۴۵۸–۴۶۷.
  - Neto, F. (2015). Revisiting correlates of sociosexuality for men and women: The role of love relationships and psychological maladjustment. *Personality and Individual Differences*. 83(5), 106–110.
  - Neto, F., & Pinto, M. C. (2015). Satisfaction with love life across the adult life span. *Applied Research in Quality of Life*, Vol 10(2), 289–۳۰۴.
  - Neto, F., Wilks, D. C. (2017). Compassionate Love for a Romantic Partner Across the Adult Life Span. *Europe's Journal of Psychology*, Vol. 13(4), 606–617.
  - Neuman, W.L. (2006) *Basic of Social Research; Qualitive and Quantitative Approach*, Second Edition, London: Allyn & Bacon.
  - Norrissa, J. I., Lambert, N. M., DeWall, C. N., & Fincham, F. D. (2012). Can't buy me love? Anxious attachment and materialistic values. *Personality and Individual Differences*. 53(5), 666-669.
  - Rintala, M. T., Paarlainen, E., & Asted T-K, P. (2014) "Challngea in Combing Different Data Sets during Analysis when Using Grounded Theory", *Nurser Researcher*, 21(5), 14-18.
  - Rodebaugh T.L., Fernandez K.C. & Levinson C.A. (2012). Testing the Effects of Social Anxiety Disorder on Friendship Quality across Gender and Ethnicity. *Cognitive Behaviour Therapy*, 41(2), 130-139.
  - Saricam, H., & Akin, A. (2013). The Turkish version of the Trait Forgiveness Scale: The study of validity and reliability. *Journal of Hasan Ali Yücel Education Faculty- Hayef*, 10(2), 114-128.
  - Stephens, D. G. (2009). *A correlational study on parental attachment and moral judgment competence of millennial generation college students*. (Doctoral dissertation, University of Nebraska).
  - Sternberg, R. J. (1986). Atriangular theory of love. *Psychological Review*, 93(2), 119-135.